



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

صفحات: ۲۷-۴۰

10.52547/mmi.2440.14021102

بررسی و شناخت شاخصه‌های تجلی عالم خیال در مکان معماری از دیدگاه عارفان اسلامی*

ناصح یوسفی** اسدالله شفیع‌زاده*** محمدرضا پاکدل فرد****

چکیده

مکان، یکی از حوزه‌های مهم و شاخص در تعاریف معماری محسوب می‌شود. هویت‌دهی به مکان می‌تواند حضور انسان را در معماری معنا کند. عرفای اسلامی یکی از راه‌های شناخت عالم ملکوت را عالم خیال و ارتباط با آن را به واسطه قوه خیال می‌دانند. باتوجه به اینکه خیال و خیال‌پردازی امر مهمی در خلاقیت معماری است، در این پژوهش که به روش کیفی / کمی انجام گرفته است، سعی شده تا شاخصه‌های تجلی عالم خیال در مکان‌های معماری شناسایی شوند. سپس به بررسی دیدگاه عارفان اسلامی همچون: ابن عربی، مولانا و ملاصدرا (باتوجه به اشتراکات دیدگاه درباره اهمیت خیال) در تجلی دیدگاه ایشان در شناخت مکان‌های معماری می‌پردازد. در نتایج این تحقیق می‌بینیم باینکه این عرفا به‌طور صریح در خصوص معماری اظهار نظر نکرده‌اند، ولی مکان‌های معماری براساس رویکردهای ایشان هویت‌مند شده‌اند. پیرو آن، معماران با عناصر و تزیینات ویژه در آثار خود، توانسته‌اند به تجلی این اندیشه‌ها در معماری و سایر هنرها بپردازند. از اهداف این پژوهش می‌توان به: الف. شناسایی شاخصه‌های تجلی عالم خیال در عالم محسوسات در قالب مکان معماری، و ب. کشف معانی نمادین عناصر و تزیینات معماری از دیدگاه‌های عرفانی، اشاره نمود. از سؤالات هم می‌توان: الف. شاخصه‌های تجلی عالم خیال در مکان معماری دنیای محسوسات چیست؟ و ب. اندیشه عرفای اسلامی نسبت به خیال چگونه در شناخت مکان تجلی می‌یابد؟ را مطرح کرد. در تحلیل و نتایج این مقاله می‌بینیم که تجلی این دیدگاه‌ها در قالب معانی نمادین در عناصر، هندسه نقوش، اعداد، رنگ‌ها و ... در مکان‌های معماری دیده می‌شود. این می‌تواند به کشف نسبت خیال در شناخت مکان‌های معماری بسیار ارزشمند باشد. برای اثبات شاخصه‌های شناسایی شده، آن کمیته‌ها را در نمونه مطالعاتی که مسجد دو مناره سفر انتخاب شده است، سنجش می‌کنیم.

واژگان کلیدی: خیال، مکان، معماری اسلامی، عالم خیال (مثال)، عارفان اسلامی.

* این مقاله، برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول "نسبت خیال با شناخت مکان در معماری با تأکید بر آرای نظریه‌پردازان اسلامی" به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر است.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

*** دانشیار، گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول).

**** استادیار، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.



مقدمه

در تعریف ابن سینا، قوه متخیله، قوه‌ای از قوای نفس است که می‌تواند تصاویر ذهنی را در ترکیب با یکدیگر یا تجزیه از هم تا خلق تصویر جدید، پیش ببرد (بلخاری قهی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین تعریف قوه متخیله براساس خلق تصویر جدید چنین می‌شود؛ قوه متخیله، نیازمند تصاویر ذهنی متعدد و خوب به‌خاطر سپرده‌شده است که بتواند به مدد آن‌ها تصویری غنی و پرمایه بیافریند. به بیان دیگر، تخیل همان انطباق و هم‌ساز کردن آگاهانه نو و کهنه است (دیویی، ۱۳۹۱: ۴۰۴). آنچه هنرمند می‌آفریند، به توان قوه متخیله آن بستگی تام دارد. همچنین میزان شرافت اثر هنری، وابسته به شرافت اندوخته صور خیال هنرمند است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱: ۸). در جهان‌بینی ابن عربی، هم جهان و هم انسان هر دو بیش از دو ساحت دارند و در ساحت واسطه (خیال)، مراتب فراتر و فروتر به هم می‌رسند. خیال به مرتبه‌ای واسطه میان مراتب اشاره می‌کند؛ خواه در عالم کبیر (جهان)، خواه در عالم صغیر (انسان). در عالم کبیر که ساحت طبیعت در مرتبه نازل و ساحت مجردات در مرتبه عالی قرار گرفته، عالم مثال رابط و واسطه این دو عالم است. در عالم صغیر نیز مرتبه خیال درست همین نقش را دارد؛ یعنی خیال، واسطه‌ای میان عقل مجرد و بدن مادی است. هم خیال موجود در عالم صغیر و هم خیال موجود در عالم کبیر هر دو شأن وجودی دارند و موجوداتی واقعی در عالم هستند (کرین، ۱۳۸۴: ۲۰۱ و ۲۲). باتوجه به یکی از تعاریف خیال به‌عنوان برزخ و عالمی بینابینی بین معنی و مشاهده تعریف می‌شود. به‌شکلی که خیال مرتبه‌ای از وجود و علم نفس است که بین روح یا عقل، و بدن قرار گرفته است و مُثُل را به‌شکل صور محسوس ادراک می‌کند. اما عالم خیال غیر از قوه خیال است؛ خیال واسطه میان عالم جبروت و عالم مُلک و شهادت است. عالم خیال یک عالم روحانی است که از طرفی به‌لحاظ داشتن مقدار و به‌دلیل محسوس بودن، شبیه جوهر جسمانی است و از طرف دیگر، به‌دلیل نورانیت، شبیه جوهر مجرد عقلی است. در تعریف آن، بین فلاسفه و عرفا به‌ویژه مشائیان و اشراقیان اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین می‌توان نقش خیال را به طرق مختلف در ایجاد و برداشت معماری، اثبات کرد. پدیدارشناسی مکان، از علومی است که به ریشه‌های ساختار مفاهیم معماری می‌پردازد و حضور خیال در هرمنوتیک این شناخت، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. از سوی دیگر، در معماری با واژه‌هایی همچون فضا و مکان سروکار داریم. مکان بخشی از فضای طبیعی یا فضای ساخته‌شده است که به‌لحاظ مفهومی

یا مادی، دارای محدوده‌ای مشخص می‌باشد و نتیجه آن، رابطه متقابل و عکس‌العمل بین سه عامل: رفتار انسانی، مفاهیم، و مشخصات فیزیکی است (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۳۲). در یک تعریف دیگر می‌توان گفت: درحالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به‌وسیله شخصی یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲).

روش تحقیق

باتوجه به اینکه ساختار مبانی این تحقیق کیفی می‌باشد، ضمن گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای و تفسیر و بررسی آن‌ها، با انتخاب روش تحقیق دلفی، سعی شده شاخصه‌های سنجش و اثبات نتایج تحقیق کمی ارایه شوند. با استفاده از روش دلفی می‌توان دیدگاه تخصصی خبرگان را پیرامون پدیده مورد مطالعه، گردآوری کرد. به عبارت دیگر، از این روش برای دستیابی به اجماع گروهی در زمینه‌های تخصصی استفاده می‌شود. سازوکار این روش به گونه‌ای طراحی شده است که بتوان با استفاده از تصمیم‌گیری گروهی به‌ویژه پدیده فکری، از مشکلات مختلف پیشگیری کرد. دلفی رویکردی روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات یک گروه متخصصان درباره یک موضوع یا یک سؤال است؛ یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک‌سری از اظهارات پرسش‌نامه‌ای پاسخ‌دهندگان، و بازخورد نظرات به اعضای دیگر است.

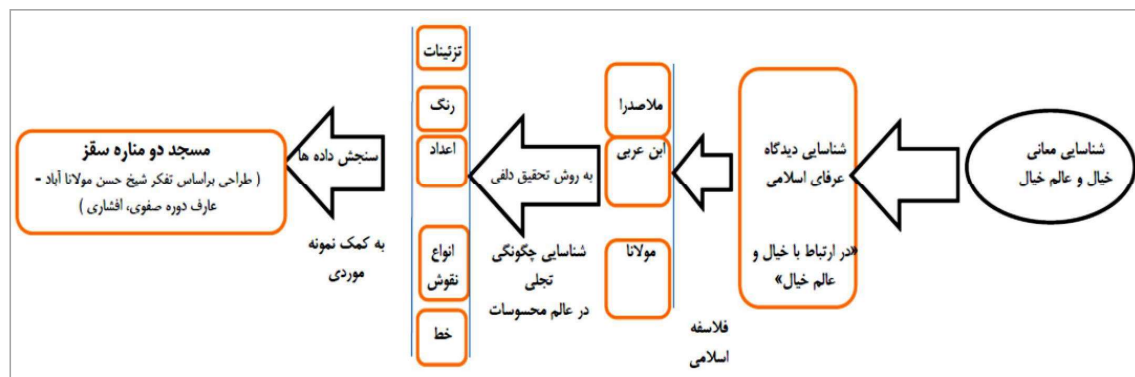
در مرحله اول به‌کارگیری این روش، پرسش‌نامه‌ای عمومی طراحی شد. ۳۴ نفر از هنرمندان و معمارانی که با مفاهیم عالم خیال و تزئینات در معماری آشنایی داشتند، به شکلی تصادفی انتخاب شدند، پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها توزیع شد و نظرات‌شان جمع‌بندی گردید. در ادامه، به روش گلوله‌برفی، تعدادی از خبرگان هنرمند و معمار که دارای اطلاعاتی از عالم خیال بودند، شامل تعدادی از افراد گروه قبلی و تعدادی که به‌تازگی شناسایی و در کل ۲۶ نفر می‌شدند، در ارایه نظریات و پر کردن پرسش‌نامه جدید مرتبه دوم که حاوی سؤالات تخصصی‌تر و جزئی‌تر بود، شرکت کردند. این نظریات در پرسش‌نامه گروه دوم نیز جمع‌بندی و تحلیل شد. روند این تحقیق را می‌توان در شکل نمودار ۱، به‌اختصار ملاحظه نمود:

نسبت شناخت خیال و عالم خیال در مکان معماری

در یک فرد، ادغام تجربه عاطفه، حافظه، و تخیل وضعیت فعلی و آتی ممکن است به قدری متنوع باشد که بتواند مکان خاصی را به چندین روش کاملاً متفاوت رؤیت کند. درواقع

یک مکان برای هر فرد ممکن است هویت‌های کاملاً متفاوت و متعدد داشته باشد (رلف، ۱۳۹۵: ۷۴). پس می‌توان به این واقعیت پی برد که خیال‌پردازی و توانمندی قوه خیال هر فرد می‌تواند در تصویر ذهنی او از مکان و مکان‌سازی مفهومی، نقش داشته باشد. قدرت تجسم، همسان‌سازی تصاویر مشابه، همسان‌سازی حس‌های مشابه، تطابق دانش قبلی و تجارب قبلی با فضای جدید در اولین دیدار و موارد مشابه آن است. در این صورت، قوه تخیل یک شخص می‌تواند به‌شکلی تمام مفاهیم جدیدی را برای یک مکان تعریف کند. پس می‌توان به‌صورت جدی و علمی بر نقش خیال در مکان معماری از زمان طراحی و خلق گرفته تا هویت‌سازی یک مکان، پرداخت. همچنین با توجه به دیدگاه‌های مختلف خیال، آن را از دیدگاه عارف بزرگی همچون ابن عربی بررسی کرد، و برای نمونه موردی، از چند فضای مذهبی می‌توان برای تطابق این تئوری با فضایی عملکردی، بهره برد. نظریه‌ها و اندیشه‌هایی از معماران و نظریه‌پردازان معماری پیرامون نسبت خیال با شناخت مکان معماری وجود دارد که تعدادی آگاهانه در این مورد بحث کرده و تعدادی نیز بدون اشاره به آن‌ها، ناآگاهانه در آن وادی، قدم گذاشته‌اند. در این تحقیق، ضمن شناخت خیال از دیدگاه فیلسوفان اسلامی و عرفا و نقش آن در شناخت و تجربه مکان، به بررسی دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و اندیشه‌های معماران و نظریه‌های منسوب به معماری، پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه، تجربه زیبایی‌شناختی اصالتاً بخشی از ادراک است، درواقع، هیچ نظریه زیبایی‌شناختی نداریم که براساس فعالیت مغز نبوده و کامل باشد، چه برسد به آن که به‌تنهایی ژرف‌نگر باشد؛ چراکه کلیه هنرهای بصری، از طریق مغز بیان می‌شوند و بنابراین باید در تصورات، اجرا و ادراک نیز از قوانین آن پیروی کنند. به بیان دیگر، «قوانین مغز»، میراث مشترک انسان‌ها است و در نتیجه باید به‌عنوان پایه‌ای از اشتراکات برای ساخت هرگونه نظریه ادراک زیبایی‌شناسی

مفروض گردد (Smith, 2003: 81). پس برای برداشت‌های معمارانه و شناخت یک مکان و درک آن به‌عنوان یک اثر هنری از سوی حاضرین در محیط و کاربران آن باید به رویکرد ادراکی زیبایی‌شناسان اثر، به‌صورت تحقیقی نگریست. عالم خیال بیش‌ازهمه، مورد توجه و بررسی عرفا قرار گرفته است، تا آنجا که عرفا برخلاف فلاسفه، قائل به دو نوع عالم مثالی در سیر صعود و نزول، شده‌اند. این دو سیر، معمولاً به‌شکل یک دایره رسم می‌شود که در مبدأ وجود، قوس نزول و در معاد وجود، قوس صعود را پشت سر می‌گذارد. از آنجا که این عالم میان عالم معنا و عالم ماده حایل است، در لسان شرع و علم کلام به «عالم برزخ» معروف شده است. چنان که عرفا و اهل لغت در معنای لغوی این واژه نوشته‌اند: «هو الحائل بین الشیئین». «خیال» در لسان عرفا، هم به معنای صور خیال، هم قوه خیال به کار رفته است. قوه خیال (مثال متصل)، یکی از حواس باطنی انسان است که مُدرک صور جزئی است، در برابر عقل که مُدرک کلیات است (الهی‌منش، ۱۳۹۳: ۱). این حضور آموزه‌های دینی در زیست بشر، باعث شده تا انسان از جهان، تلقی ویژه‌ای داشته باشد. او براساس این نگرش، ارزش‌های زیباشناختی و هنری را تعریف می‌کند. معماری و ساخت خانه، زمینه‌ای جهت خلق و بیان باورهای دینی انسان می‌باشد. همچنین، وسیله و معیاری جهت بررسی نحوه دخالت جمعیت‌های انسانی در مفهوم مکان است (Butterfield, 2004: 20). از نظر حکیمان ایرانی، مکان عبارت است از سطح باطن از جسم حاوی، به‌نحوی که هیچ جزئی از آن خارج از سطح نباشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۹۸). از دیدگاهی دیگر، نظرات و آرای حکمای مسلمان را می‌توان به دو دیدگاه اشراقیون و مشائین، دسته‌بندی کرد. دیدگاه نخست ناظر بر مکان به‌عنوان حقیقتی مجزا از جسم ثابت و غیرمتغیر است. این حقیقت، فضا را شکل می‌دهد که اجسام در آن شناورند. دیدگاه دوم، معتقد است که فضا و مکان جدا از جسم، وجود



شکل ۱. نمودار روند ساختار پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۳)

دیدگاه عرفا در ارتباط با عالم خیال

باتوجه به اینکه در این تحقیق، آرای اندیشمندان اسلامی در حوزه عرفانی مدنظر است و در دیدگاه اندیشمندانی همچون ملاصدرا، ابن عربی، و مولانا در ارتباط با این پژوهش، توافق آرا هست، به بررسی دیدگاه آنان پرداخته می‌شود.

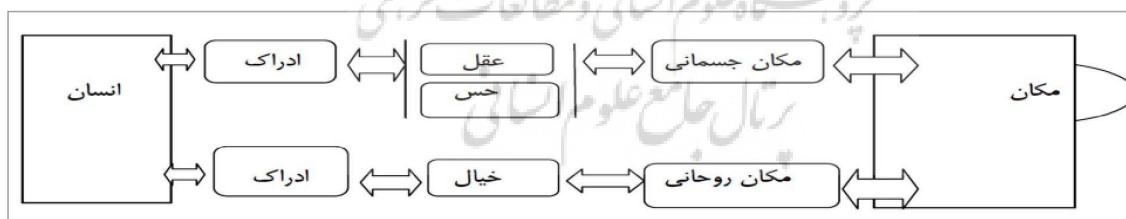
تجلی عالم خیال در دیدگاه ملاصدرا

حکیم صدرالمتهلین شیرازی، در قبول وجود عالم مثال هم‌صدا با عرفا و شیخ اشراق، در کتاب اسفار، براهین متعددی هم برای اثبات مثال متصل و هم مثال منفصل، مطرح می‌نماید. او با اثبات تجرد بعد خیال، موفق شده است معاد جسمانی و حشر همه عوالم وجودیه و لزوم بازگشت جمیع موجودات را به مبدأ اعلی، اثبات کند. او معتقد است: دار آخرت، منحصر به عالم روح نیست، بلکه مرتبه‌ای از عالم آخرت را عالم اجساد و اجسام و سماوات و نفوس ارواح جسمانی، تشکیل می‌دهد. بدین منظور، ملاصدرا قوه خیال متصل و تجرد آن را مطرح و اثبات می‌کند. او از این طریق توانسته است کیفیت عذاب قبر و سكرات موت را تبیین و عوالم برزخی را در قوس صعود و نزول، اثبات کند (شکل ۳). با این فیلسوف است، بسیاری از اشکالات موجود در باب معاد جسمانی، مرتفع شده است (شاملی، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

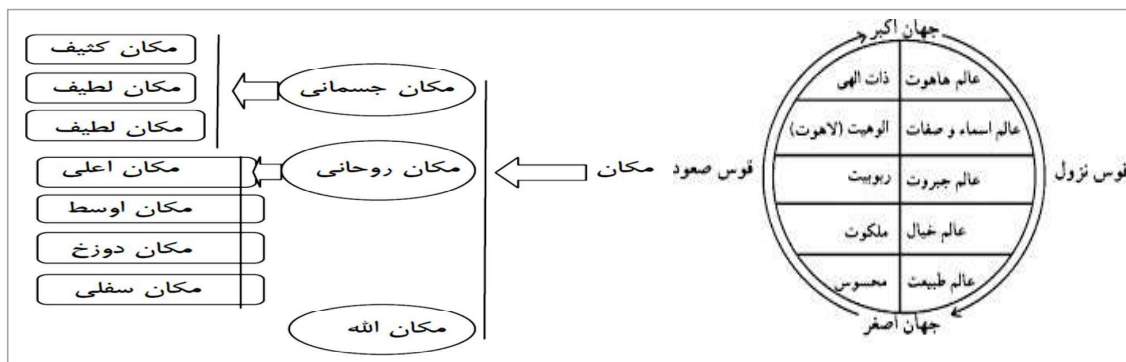
بدین صورت، ملاصدرا اعتقاد دارد قوه خیال، نفسی مجرد است. او برای اثبات تجرد آن، چند برهان را مطرح

ندارد. جسم چه ثابت و چه متحرک باشد، نسبت‌هایی با دیگر اجسام دارد (تقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱).

بسیاری از متفکرین جهان اسلام معتقد هستند این دنیا، انعکاسی از ذات خداوند است که به شکل انتزاعی در این جهان آشکار گشته است (تجلی انوار الهی). دنیای مادی دارای رموز و رازهایی است؛ همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید، برای اهل ایمان در دنیا نشانه‌هایی هست. از جمله رمزهای جهان‌شناختی دارای اهمیت خاص که با تأمل و تدبّر درباره عالم به‌عنوان تجلی خداوند و تجربه حضور امر قدسی در نظم طبیعی مرتبطاند، رمزهای مربوط به مکان است. مکان و زمان در کنار صورت، ماده و جوهر و عدد، شرایط وجود بشری و درواقع، شرایط همه موجودات این عالم را تعیین می‌کنند (نصر، ۱۳۹۴: ۳۹۷). مکان کیفی در اثر حضور خود ذات قدسی محدود شده است. (همه) جهات آن یکسان نیست. خصوصیات آن یکنواخت نیست. درحالی که گستردگی تهی مکان مظهر امکان مطلق الاهی و نیز «ثبات مطلق الاهی» است، خود مکان مبدع همه اشکال هندسی است که فراقکنی‌های متعدد نقطه هندسی و بازتاب متعدد واحد مطلق‌اند. یعنی هر شکل هندسی منظم، مظهر یک صفت الاهی کاست (همان: ۳۹۸). دو سرتو در نوشتارهای خویش، مکان و انسان را دارای دو معنای ناشناخته برای هم تصور می‌کند که معنای میانجی را تنها می‌توان تجربه کرد و سازنده آن، دیدگاه مسلمانان درباره مکان است. به عبارتی مکان‌ها خود را از جاهایی که فرض شده‌اند، تعریف می‌کنند و هویت می‌یابند (شکل ۲).



شکل ۲. نمودار رابطه انسان در شناخت انواع مکان (نگارندگان، ۱۴۰۳)



شکل ۳. نمودار دسته‌بندی مکان از دیدگاه ملاصدرا (نگارندگان، ۱۴۰۳)



جدیدی را کسب می‌کند، تصاویر قبلی حذف نمی‌شوند؛ بلکه تصویر جدید بر آن نهاده می‌شود. تصاویر با کیفیات گوناگون، در قوه خیال حفظ می‌شوند و ترکیبات مختلفی دارند. آن‌ها «معقولات اولیه» و بالقوه‌ای هستند که نوع بشر در آن‌ها سهم دارد.

تجلی عالم خیال در دیدگاه ابن عربی

بعد از سهروردی، ابن عربی و پیروان او به شرح و بسط نظریه عالم مثال پرداختند؛ آن را براساس قوس نزول و صعود در هر دو قوس مطرح کردند. اولی را غیب امکانی، و دومی را غیب محالی نامیدند؛ زیرا ظهور اولی در عالم شهادت ممکن است، اما دومی فقط در آخرت ظاهر خواهد شد (اکبری‌ان، ۸۸: ۱۷). ابن عربی عالم خیال را به‌عنوان عالمی بینابینی و برزخ معرفی می‌کند که بین عالم حقیقت و عالم مادی و حسی است. عالم مثال یا خیال را که در ارتباط با عالم مادی است، خیال متصل و عالم مثالی را که در ارتباط با عالم حق و حقیقت است، خیال منفصل می‌نامند.

ابن عربی در شرح آیه مبارکه «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/ ۵۶)، می‌گوید: خلق از خاک یا طین که حضرت آدم از آن آفریده شده است، همان ارض الحقیقت‌هایی است که تصور انسان کامل را شکل می‌بخشد و آن را با تمامی منظومه حقیقی آن، چه صغیر، چه کبیر، چه الهی، و چه بشری، به تصویر می‌کشد. ارض مافوق طبیعی، همان جایی است که نه فقط اشیا در آن فاسد نمی‌شوند، بلکه حیات جاودان نیز دارند و در آنجا به گفت‌وگوشنود مشغول هستند. این، همان ارض روحانی است که بدن‌ها با مواد ظریف و نامحسوسی شکل یافته‌اند؛ یعنی آن‌گاه که عقل لباس صورت می‌پوشد. این است دلیل آنکه عارفان تنها با روح در آن وارد می‌شوند و حجاب‌های جسمانی را در دنیای دون مادی، متروک می‌گذارند. اما ارض واسعه، ارض کمال و تکمیل است و همانند نمایشی است که تمام امور مرئی شخص خردمند در آن مشخص می‌شود. همان جایی است که رؤیا به حقیقت می‌پیوندد و نفوس برای دریافت رأی نهایی خداوند، در انتظار آن به سر می‌برند (شاملی، ۱۳۹۰: ۱۷۰ و ۱۷۱). ابن عربی به‌طور مستقیم درباره مکان و صورت‌های معماری مباحثی را مطرح نمی‌کند ولی براساس دیدگاه‌های وی درخصوص صور و شکل‌هایی که در دنیای مادی و دنیای حقیقت وجود دارد، در عالم مثال و عالم برزخی بین این دو عالم می‌توان با این استناد، مطرح نمود که مکان‌هایی در عالم مادی (حسی) و عالم حقیقت وجود دارند که به‌صورت مثال‌هایی در عالم مثال (خیال) به

می‌کند. وی در این باره می‌گوید: «صورت‌هایی که خفتگان یا خیال‌باغان می‌بینند، امور وجودی هستند که محال است محل آن‌ها جزئی از بدن باشد؛ زیرا بدن موضع طبیعی دارد و این صور موضع طبیعی ندارند و از سوی دیگر، انطباع عظیم در صغیر، بنابر بداهت عقلی ممتنع است؛ اما به هر صورت وجود دارند و عرصه آن‌ها نفس است و قائم به نفس هستند.» بنابراین، باتوجه به نظر ملاصدرا، قوه خیال جوهر مجرد از ماده و قائم به خود است و صوری نیز که به‌وسیله آن ایجاد می‌شود، ویژگی‌هایی دارد که هویت آن‌ها را روشن می‌کند. نخست اینکه این صور، از نفس نشئت می‌گیرد و نیازی به ماده ندارد. فقط محتاج فاعلی است که آن‌ها را ایجاد می‌کند. سپس اینکه این صور، در قوه خیال قائم به نفس است؛ چنان‌که صورت کار هنری قائم به هنرمند است یا شیء که قائم به فاعل خود است. از نکات بدیعی که ملاصدرا در بحث ادراک مطرح کرده است، آفرینندگی نفس در برابر صورهای خیالی و حسی است. وی معتقد است نفس این قدرت را دارد که در مرحله خیال و حس، صورتی مشابه با صورت شیء محسوس بیافریند. ملاصدرا اعتقاد دارد که معرفت به عالم خارج، از حواس طبیعی آغاز می‌شود. این حواس اطلاعات را از نواحی مختلف بدن جمع‌آوری می‌کند و نفس را آماده آگاه شدن از سایر ادراکات می‌سازد. صوری را که ذهن از ادراک عالم خارج به دست می‌آورد، در مخزنی نگهداری می‌کند. این صور مجرد از ماده است و به‌وسیله اشراقی که از جانب عقل فعال می‌آید، در نزد فاعل شناسا حاضر می‌شود. نفس آن را به‌صورت علم حضوری و شهودی درک می‌کند و درواقع، قائم به نفس است. صورتی که در نزد نفس به وجود آمده است، با نفس اتحاد می‌یابد و نفس همان صورت می‌شود و وضع آن نسبت به عالم تغییر می‌کند. از نظر ملاصدرا، علم از سنخ وجود بوده و فاعل ادراک، نفس است که فعل ادراک را انجام می‌دهد و موضوع ادراک، صورتی است که نفس به‌واسطه انگیزه خارجی درباره علم خارجی به وجود آورده است. در فعل ادراک نیز اتحاد عاقل و معقول صورت می‌گیرد. انسان با موضوع ادراک خود کاملاً متحد و یگانه می‌شود، تاحدی که بین آن دو اختلافی نمی‌ماند؛ زیرا برای آنکه علم ممکن باشد، وضعیت وجود با علم یکسان است. از نظر ملاصدرا، این اصل درباره تمام انواع ادراک، از جمله ادراک خیالی نیز صدق می‌کند. وی معتقد است که نفس از مرتبه‌ای از وجود خود به مرتبه‌ای از وجود او که باشد، ادراک می‌کند. اگر در مرحله حس باشد، آن را به‌عنوان معقول یا کلی درک می‌کند. هنگامی که نفس تصاویر



نمایش در می‌آیند. یعنی دو مکان در عالم خیال وجود دارد که یکی برگرفته از خیال منفصل، و دیگری برگرفته از خیال متصل، می‌توانند به نقش‌پذیری بپردازند.

تجلی عالم خیال در دیدگاه مولانا

مولوی خیال را در مثنوی دست‌کم به سه معنا به کار می‌برد: گاه خیال را با وهم یکی می‌شمارد، گاه خیال را به معنای قوه خیال به کار می‌برد، و گاه به معنای عالم خیال می‌داند. در این سه معنا، خیال مرتبه‌ای بینابینی است، چه در قوای ادراکی آدمی و چه در عوالم. خیال متصل، که در انسان است، ممکن است زشت و فریبنده و موهوم، یا در مقابل، جایگاه خداوند باشد: «خیال‌ها را ای بندگان من پاک کنید، که جایگاه و مقام من است». نزد مولوی، همه صورت‌ها مرتبه‌ای از خیال است. به عبارت دیگر، تجلیات حق تعالی، از نخستین صورت تا آخرین مرتبه تجلی، همگی درجاتی از خیال هستند. به همین نحو، همه اموری که از آدمیان در جهان صادر می‌شود، از خیال آنان نشئت می‌گیرد؛ نخست در خیال آنان صورت می‌بندد و آن‌گاه در عالم خارج تحقق می‌یابد. از این‌روست که «عالم بر خیال قائم است». (پیشوایی و قیومی بیدهندی، ۱۳۹۲: ۲۳)

جلال‌الدین محمد مولوی، معمار یا نظریه‌پرداز معماری نبوده است؛ اما در مثنوی به سبب‌های گوناگون، به تصریح یا تلویح، به عمد یا غیر عمد به معماری توجه کرده است (قیومی بیدهندی و پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۴). ایشان قریب به هفتاد سال عمر کرد و به شهرها و مکان‌های مختلف سفر کرد و سکونت داشت و چیزهایی را جمع به مکان مصنوع خوانده و شنیده بود که به‌نحوی به معماری مرتبط بود. او با معماران و بنایان مراوده داشت و در پیشه آن‌ها تأمل می‌کرد. در عالم مولانا، ناگزیر معماری حضور دارد و در سخنانش تجلی این عالم را می‌بینیم. بنابراین ما می‌توانیم در سخن مولانا از آن حیث تأمل کنیم که تصاویر معماری را از آن عالم شکار کنیم. در ارتباط با سخنان مولانا درباره معماری می‌توان در یک مرتبه‌ای، از خیال معماری سخن گفت. مولانا شاعر است و در بیان خود از اقسام صور خیال بهره می‌گیرد. برخی از این صور خیال مرتبط با مکان است، یعنی معماریانه است. او در کتاب فیه مافیه، این‌گونه بیان می‌کند: «عالم خیال از عالم مصورات و محسوسات فراخ‌تر است، زیرا جمله مصورات از خیال می‌زاید، و عالم خیال نسبت به آن عالمی که خیال از او هست می‌شود هم، تنگ است» (نقل قول ارجاع می‌خواهد) اگر در جمله مولانا دقیق‌تر بنگریم، به راحتی در می‌یابیم که مرتبه خیال برتر از صورت‌ها، و مرتبه صورت‌ها

برتر از محسوسات است (داداشی، ۱۳۸۱: ۷). به عبارتی مولانا، سه مرتبه عالم را از پایین به بالا به ترتیب: محسوسات، عالم صورت‌ها (مصورات)، و عالم خیال معرفی و تشریح می‌کند. اهمیت مکان در مثنوی چنان است که مولوی ارکان اصلی تفکرش، یعنی هستی، انسان، و خدا، را به آن‌ها پیوند می‌زند. تمثیل «هستی» و «انسان»، که عوالم کبیر و صغیرند، مکان است؛ زیرا عالم در اندیشه انسان‌ها مکان است و محل کون. خدا با آنکه لامکان است، باز با مکان مرتبط است: اوست که آدمی را از مقامی به مقام دیگر می‌برد، کیفیت جاها را تغییر می‌دهد، و در نهایت، خود غایت راه سالک است. پس در مثنوی همه چیز با «مکان» پیوند خورده است. حتی خود مثنوی هم مکان است؛ جزیره و دکان فقر و وحدت است (پیشوایی و قیومی بیدهندی، ۱۳۹۲: ۲۳).

شناسایی شاخصه‌های تجلی عالم خیال در مکان معماری

از منظر هستی‌شناسی اسلامی، هستی از عوامل چندگانه‌ای تشکیل شده است که در پایین‌ترین مرتبه عالم، ماده و طبیعت و در بالاترین آن، ذات الهی وجود دارد. در این میان، عالم مثال یا ملکوت قرار دارد. با چنین باوری معنای هر چه را در عالم خاکی دیده می‌شود، در عوالم بالاتر باید جست‌وجو کرد (شکل ۶).

از این منظر هر پدیده‌ای در عالم طبیعت، سایه و تصویری از حقیقتی در عوالم بالاتر دارد. به عبارتی دیگر، وجود هر شیء، در عالم ماده، آیه، نماد و نشانه‌ای از وجودی عظیم‌تر در عوالم بالاتر است و هر جزء از عالم طبیعت، به‌منزله آینه‌ای که صفاتی از صفات خداوند را به تصویر می‌کشد. نگارش آیه‌ای از عالم طبیعت در هنر و معماری اسلامی بازتاب یافته است و معماران مسلمان، به روش‌های مختلف به تصویرگری نمادین عالم ملکوت پرداخته‌اند. تصویر باغ بهشت، استفاده از معنای نمادین آیین آب و نقش نور، توجه به معنای رنگ‌های گوناگون و استفاده از نقش نمادین اعداد در هندسه بنا و آرایه‌ها، نمونه‌هایی از این دست هستند. بر این اساس می‌توان اساس نمادپردازی را در معماری دوران اسلامی بازخوانی مفهوم آثار با توجه به معنای آن‌ها در عالم مثال دانست. در معماری اسلامی، این امر به دو روش کلی انجام می‌شود. روش نخست، محسوس کردن عالم مثال است. در این روش، کیفیت موجود در عالم مثال به‌نحوی که قابل درک با حواس پنج‌گانه این جهان باشد، به مخاطب ارایه می‌شود. استفاده از تصویر باغ بهشت، نمود آینه، و استفاده از سایه و نور نمونه‌های این تصویرسازی زمینی از بهشت

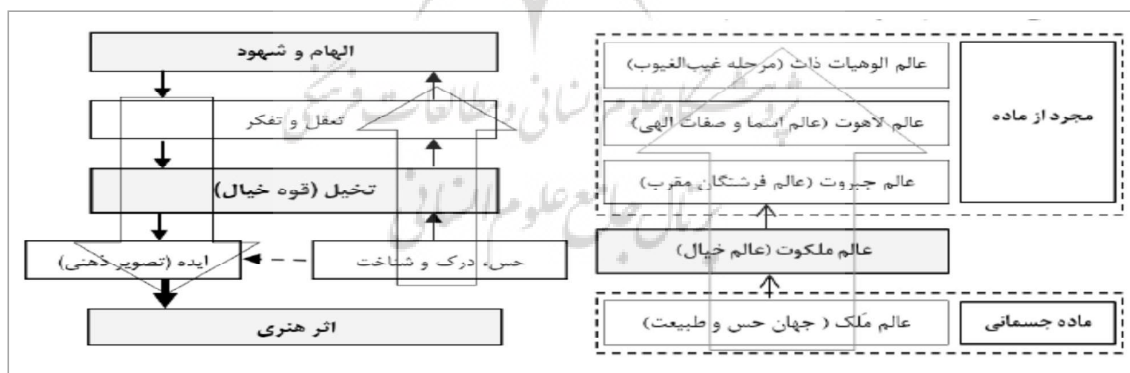
کلی، بسیار به هم نزدیک هستند. براساس دیدگاه ملاصدرا در نظریه قوس صعود و قوس نزول، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که نمادهای ملکوتی در دایره خلاقیت معماران به دو دسته تقسیم شده است: یک، مرحله بیان مفاهیم و کشف معانی‌ای که تجلی ظهور عالم ملکوت است (سیر نزولی) و یا برعکس، معمار در صدد پنهان‌سازی و حجاب کشیدن بر واقعیت‌های ملکوتی در عالم مادی است برای اینکه انسان را به اندیشیدن و رجوع به باطن خویش وادارد تا به کشف عالم ملکوت برسد (سیر صعود). همچنان که خداوند می‌فرماید به پیرامون و محیط اطراف خود بنگرید تا خدا و ملکوت را کشف کنید (شکل ۶).

در این سیرهای صعودی و نزولی، معماری با استفاده از نقوش اسلیمی، رازهای هندسی، نمادهایی همچون: اشکال هندسی، اعداد، رنگ‌ها، گیاهان، موجودات خیالی و ... توانسته است در این مسیر موفق باشد و به آثار هنری ارزشمندی در معماری دست یابد. همان‌طور که در دوران اسلامی با حضور اندیشمندان متفکر اسلامی، رشد و شکوفایی دیدگاه‌ها و آرای آنان را به‌وضوح در آثار معماری و همچنین مفاهیم مکان در معماری، موجبات هویت‌مندی این آثار را به نمایش بگذارند. در مثنوی معنوی، آنجا که مولانا از خیال مهندس و معمار یاد می‌کند، از دید او خیال مهندس درباره عمارت، نزدیک به

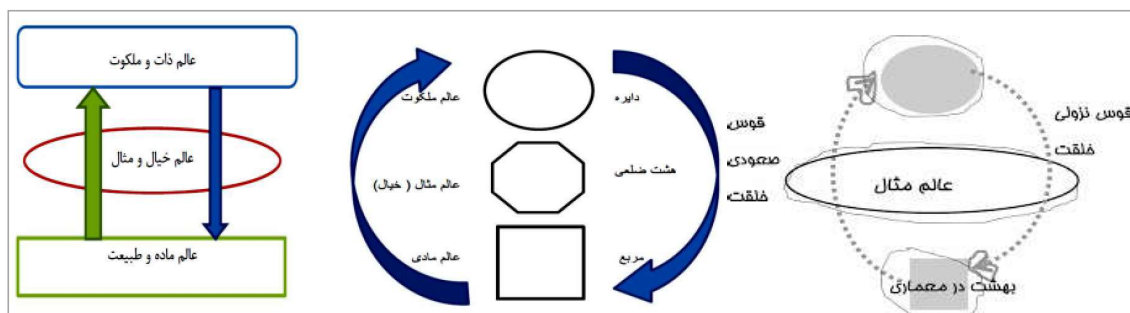
مثالی هستند. روش دیگر که روشی متعالی‌تر و رمزآلودتر است، «عروج اندیشه به عالم مثال» یا بالاتر رفتن از عالم محسوسات است که به کمک تعقل، میسر می‌شود. تفکر عقلایی در این زمینه به معنای جست‌وجوی روابط درونی و ذهنی میان عناصر مختلف معماری است (غریب‌دوست، ۱۳۹۶: ۲). از طرفی باتوجه به منابع اسلامی، تنها عرفا هستند که وابستگی بیشتری به موضوعات ذهنی مرتبط با عالم مادی و ملکوت دارند. با بررسی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های عرفایی چون ابن عربی، ملاصدرا و مشابه آن‌ها می‌توان نشان‌هایی از نمادگرایی در قالب موضوعات متفاوت هنری یافت. در این میان، مکان‌های معماری باتوجه به وابستگی به مفاهیم و هویت‌مندی موجود در آن مکان‌ها، عناصر و تزئینات آن‌ها به راحتی می‌توانند مفهومی جهت هویت‌بخشی به مکان باشند. در عناصر و تزئینات معماری اسلامی، به راحتی می‌توان رموز و نمادهایی را یافت که جای تأمل دارند (شکل ۵).

شناسایی عوامل تجلی عالم خیال در عالم محسوسات به کمک روش تحقیق دلفی

با بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا، ابن عربی و مولانا به راحتی می‌توان متوجه شد که اگرچه هر کدام به شکلی دیدگاه خود را درباره عالم مثال (خیال) مطرح می‌نمایند ولی در برداشت



شکل ۵. نمودار عالم وجودی هستی و جایگاه عالم خیال (عظیمی، ۱۳۹۸: ۸۰ و ۸۳)



شکل ۶. نمودار حرکت نمادین اشکال هندسه در سیر صعود و نزول مفاهیم (نگارندگان، ۱۴۰۳)

حقیقت است. تصور بنا نزد کسانی که معمار نیستند و همی بیش نیست، اما تصور معمار از بنا حتی از عالم واقع واقعی تر است؛ زیرا آن خیال است که موجب تحقق بنا در عالم خارج می شود. لذا از دید مولانا، خیال خانه نزد مهندس خیال، به معنای وهم نیست بلکه خیالی است، متصل به حقیقت و مطابق آن (نیک‌روش و صابر نژاد، ۱۳۹۸: ۲۹۳). بدین ترتیب، می‌بینیم باتوجه به معنای مهم خیال از جانب مولانا، ایشان نیز اشاراتی به خیال متصل و منفصل می‌کند و معماران را از آن دست هنرمندانی می‌داند که می‌توانند برای خلق آثار هنری به کشف حقیقت در عالم خیال تکیه کنند (شکل ۷). یا مطابق دیدگاه ملاصدرا به کشف صورت‌های خارجی در حوزه هنر نائل می‌آیند و یا به پنهان نمودن حقیقت‌هایی در خلق آثار هنری به منظور اندیشیدن باطنی انسان برای کشف حقیقت اقدام می‌کنند:

این خیال اینجا پنهان، پیدا اثر

زین خیال آنجا برویاند صور

آن خیال از اندرون آید برون

چون زمین که زاید از تخم درون

هر خیالی کو کند در دل وطن

روز محشر صورتی خواهد شدن

(مولوی، ۱۳۹۴: ۱۹۲۰-۱۹۱۷)

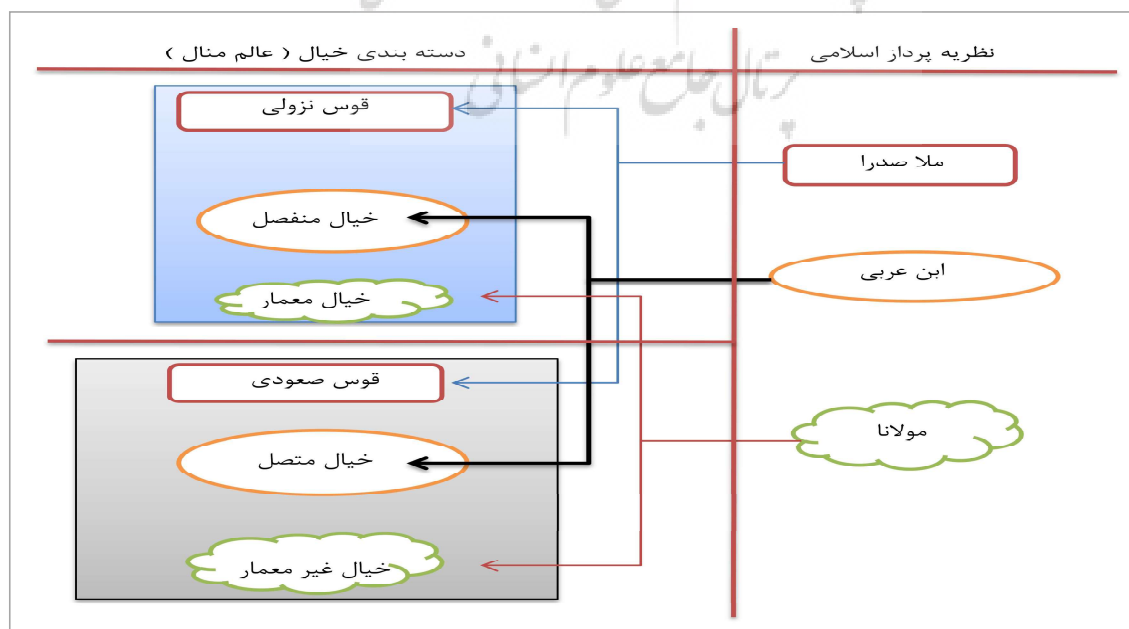
بدین صورت، باید در معماری دنبال نمادهایی باشیم که توانسته‌اند صورتی از معانی را برای این اندیشه‌های عرفانی به نمایش بگذارند. معماران با رویکرد عارفانه توانسته‌اند این

نمادها را در قالب ترسیمات هندسی با نمایی‌هایی از رموز اعداد، رنگ‌ها، تصاویر نمادین از موجودات و گیاهان، و ... در تزیینات و عناصر معماری خلق نمایند. در نمودار شکل ۷، می‌توان این اشتراک دیدگاه را بین سه اندیشمند انتخاب شده مشاهده کرد.

تحلیل داده‌ها و نتایج براساس روش تحقیق دلفی

در این پژوهش باتوجه به کیفی بودن آن، از روش تحقیق‌های آمیخته که ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی می‌باشد، استفاده می‌نماییم. جامعه پژوهش، متخصصان حوزه معماری و دیگر هنرها بودند که با روش هدفمند غیر تصادفی، ۳۴ نفر انتخاب شدند. به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات، از تکنیک دلفی به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چندشاخصه استفاده شده است. ابزار پژوهش، دو پرسش‌نامه ساخته شده و یک فرم جمع‌آوری اطلاعات بود. نتایج، ارزیابی و امتیازگذاری شد. در گام اول، شاخص‌ها با مطالعه ادبیات موضوع استخراج، و توسط خبرگان به قضاوت گذاشته شد. عوامل مدل مفهومی ایجاد شده به منظور ارزش‌گذاری، به قضاوت خبرگان گذاشته شد.

در دور اول پرسش‌نامه، سؤالاتی عمومی و کلی طرح شد. تا دیدگاه هنرمندان و معماران در ارتباط با دیدگاه هنرمندان، خلق آثار هنری؛ که عمدتاً آثار هنری مذهبی (اسلامی) و هنرمندان اسلامی مدنظر بودند، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این پرسش‌نامه در جدول ۱، به نمایش در آمده است. در دور بعدی، به روش گلوله‌برفی ۲۶ نفر از خبرگان و هنرمندانی که مطالعات و اطلاعاتی در حوزه عالم مثال داشتند، شناسایی شدند و سؤالات تخصصی برای آن‌ها ضمن



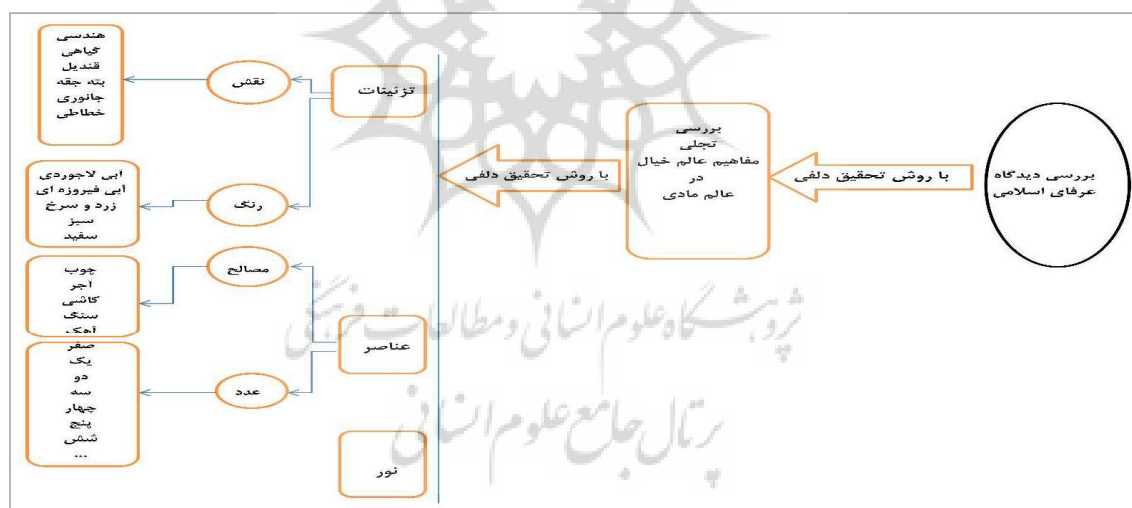
شکل ۷. نمودار دسته‌بندی خیال در آرای نظریه‌پردازان اسلامی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

بسیاری معتقدند که نظم طبیعت و موجودات در آن براساس اعداد و محاسبات اعداد است و پایهٔ جوهری عالم، اولین فیض بر نفس و زبان، توحید و تنزیه عدد است. بنابراین عدد است که باید کمیت محض شمرده شود.

نمونه موردی و سنجش شاخصه‌های به‌دست آمده
مسجد دومناره سقز طبق روایات به زمان شیخ حسن مولان آباد از عرفای حکیم و ریاضیدان مشهور عصر افشاریه بر می‌گردد. این مسجد در سال ۱۳۷۸ با شماره ثبتی ۲۶۰۰، در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. قدمت تاریخی این مسجد به دوران افشاریه بر می‌گردد. براساس روایات، شیخ حسن مولان آباد در سفر نادرشاه افشار به بغداد که از سقز می‌گذاشته است، از نادرشاه درخواست مساعدت برای ایجاد این مسجد می‌کند. نادرشاه با درخواست موافقت می‌کند. بنابر روایات محلی، نادرشاه دو عصای مرصع و یک سفره منقوش و زیبای چرمی را به شیخ هدیه می‌دهد. این هدایا به همراه یک نسخه قرآن خطی که تماماً مربوط به دوره

نظرخواهی طرح شد. نتایج این مباحث، در نمودارهای ذیل ترسیم و ارایه شده است.

براساس موارد تحلیلی در روش تحقیق دلفی، مواردی جهت نمایش و تجلی عالم خیال در عالم مادی کشف شد. بدین ترتیب شاهد این نکته هستیم که عواملی همچون تزیینات در قالب: «رنگ‌ها»، «نقوش»، «اعداد»، «عناصر»، و «مصالح» می‌توانند مفاهیم عالم خیال را در مکان‌های معماری (عالم مادی و محسوسات)، تجلی و آشکار نمایند. در نمودار شکل ۹ می‌توان جزئیات عناصر و کمیت‌های حاصل از تجلی عالم مثال را در عالم محسوسات براساس نتایج این پژوهش مشاهده کرد. تنزل بخشیدن اعداد به علمی صرفاً کتمی، میراث دنیای جدید است، و گرنه اعداد صرفاً کمیت‌هایی برای شمارش و محاسبه نیستند، بلکه این کاربرد به نازل‌ترین سطح علم اعداد تعلق دارد. اعداد تمثیلی، یکی از راه‌های ورود به عالم خیال است. اعداد می‌توانند هم جنبه کمی و هم کیفی داشته باشند. به عقیده بسیاری از فلاسفه از زمان ارسطو تا امروز،



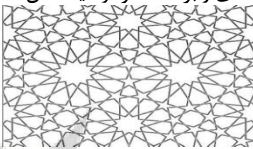
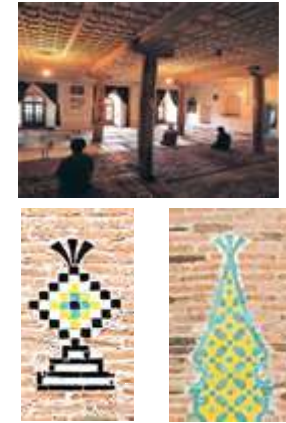
شکل ۹. نمودار روند یافتن شیوه‌های تجلی عالم مثال در عالم محسوسات (نگارندگان، ۱۴۰۳)



شکل ۱۰. مسجد دومناره سقز (نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول ۱. تحلیل عناصر و تزیینات خیالین در مسجد دومناره سقز

تصاویر مسجد دومناره سقز	خیال در مکان	اشاره به / نمادی از
	دومناره آسمان با دو پایه روی زمین نگهداری می‌شود. در طرح‌های سه‌عنصری نیز، گاه نشانه آسمان بالای سر پیکره مادینه دیده می‌شود؛ این نشانه را با نشانه خورشیدی اشتباه گرفته‌اند. دومنار در ذهن ناخودآگاه فرهنگ ایرانی، می‌تواند تجسم فضایی باشد که گنبد آسمان را حفظ می‌کند.	در روایت‌های باستانی (ایران، هند و اروپایی): گنبد (نماد آسمان) و زمین زیر آن با دو مناره (نماد جو) است که نگه داشته می‌شود؛ اشاره به آیاتی از قرآن مجید است که تمامی موجودات را جفت آفریده است.
	رنگ‌ها - رنگ‌ها با الهام از طبیعت مادی و انعکاس و حصول از دنیای ملکوت و حقیقت، جایگاه خاصی دارند. حتی نقاشان در استفاده از رنگ‌ها، آن‌ها را به رنگ‌های بهشتی و جهنمی دسته‌بندی کرده‌اند. - رنگ‌های سبز، آبی لاجوردی، زرد، مشکی، و سفید مثال‌هایی از دنیای ملکوت هستند. ورودی مسجد دومناره سقز	- رنگ سبز: نمادی از عالم مثال است. - رنگ آبی و فیروزه‌ای: نمادی از آسمان و عالم غیرمادی است. - رنگ زرد: اشاره به آیاتی از قرآن مجید دارد (خداوند نور آسمان‌ها و زمین است). - رنگ سفید: اشاره به حدیثی از حضرت محمد (ص) است؛ خداوند بهشت را به رنگ سفید آفرید. رنگ سفید نزد خداوند محبوب‌تر از تمام رنگ‌هاست. رنگ مشکی: نمادی از سیاهی و تاریکی است و می‌تواند دنیای غفلت و عبور از آن را در مجاورت دیگر رنگ‌ها تداعی نماید.
	اعداد و اشارات به عالم مثال و خیال «هشت‌ضلعی نمادی از عالم مثال است و این حد واسط در حرکت مربع به سمت دایره به‌دست می‌آید.» قاعده مربع و چهارگوش، نماد جهان جسمانی روی زمین است و قاعده هشت‌وجهی گنبد، کنایه از کرسی الهی و نیز عالم فرشتگان است. آنچه مسلم است به جهت نقش واسط عالم مثال، شکل آن نیز باید در میانه شکل مربع و دایره باشد. به عبارت دیگر، فرم مربع برای رسیدن به فرم دایره، در اولین گام، به فرم هشت‌ضلعی می‌رسد. بعد از تعاریفی که برای عالم مثال ذکر گردید، به نظر می‌رسد که کشف قرابت این فرم با اصطلاح «اقلیم هشتم» نزد شیخ اشراق، راه تحقیق را به کلی روشن می‌سازد. همان‌طور که گذشت، شیخ اشراق عالم مثال و شهرهای آن را (از جمله هورقلیا که شگفت‌ترین شهر آن عالم است)، «اقلیم هشتم» نامیده است.	اشکال مربعی که از هشت آجر تشکیل شده‌اند یا مربع‌هایی که به هشت‌ضلعی تکامل یافته‌اند، نمادی از حرکت از عالم مادی به عالم حقیقت و یا بهشت هستند که به نمادی از دایره می‌رسد. این حرکت‌های تکاملی از ۴ شروع و به دایره که نماد عالم حقیقت است می‌رسند؛ برای رسیدن باید از ۸ ضلعی که همان عالم مثال است، عبور کنند. حرکت‌هایی که از ۴ شروع و به ۸ می‌رسند، و برعکس، در بینش اسلامی به سیر صعود و نزول اشاره می‌کنند. چهارضلعی و عدد چهار، نمادی از کلیت و کمال و یکپارچگی و نظم است (موضوعات قرآنی همچون چهار باغ بهشت، چهار میوه مقدس و ...). در عالم هستی و مادی: ۴ جهت اربعه، ۴ دست و پا، و نشانه‌های تکامل در عالم مادی است و در مقابل آن در جهان ملکوت، عدد ۸ نشانه‌ای از تکامل است.
	کتیبه ورودی - فصل اتصال بنا با شهر، پیشگاه ورودی آن است. درواقع عبور از دنیای مادی به دنیای معنوی است. روی سردر بیشتر مساجد کتیبه‌هایی هست که شامل: نام و اوصاف الهی، نام مبارک حضرت رسول (ص)، نام مبارک امام علی و دیگر امامان، آیات و احادیث قرآنی، موضوع ساخت و مواردی مشابه است.	- نوشتن نام مبارک حضرت علی (ع)، اشاره به احادیث پیامبر (ص): «انا مدینه العلم و علی بابها» «مثل اهل بیتی کمثل سفینه النوح من ركب فیها نجا»

تصاویر مسجد دومناره سقز	خیال در مکان	اشاره به / نمادی از
عدد شش عدد ۶ در هندسه، مناظر شش ضلعی است که نخستین شکل کامل است. در احجام، مکعب را می‌سازد. از دیدگاه عرفا، قلب کرة زمین کعبه است. محل وصل عالم سر و نور به عالم سفلی و ظلمات، دنیا است. چون عدد ۶ برابر «و» است. بنابراین خلقت روی حرف «و» قرار دارد. همچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: انا الله و انا الیه راجعون، حرف «و» به صورت «واو» خوانده می‌شود. یعنی در مسیر حرکت انسان از دنیای ملکوت به دنیای مادی و برگشت از «و» یا همان عالم مثال می‌گذریم. 	اشاره به آیاتی از قرآن مجید: خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ). در روایات هست که فقط سه نفر در شش ماهگی متولد شده‌اند: حضرت یحیی (ع)، حضرت عیسی (ع)، و امام حسین (ع). عدد شش، ۷ بار در قرآن آمده و در همه موارد با آفرینش آسمان‌ها و زمین، مرتبط است. حضرت داوود بر روی سپر خود، ستاره شش‌پر ترسیم کرده بود.	شش ستون در ایوان مسجد  گلدسته مناره‌های شش ضلعی 
سه ضلعی‌ها نمادهایی از خداوند هستند که در نقوش معماری ایرانی از قبل از اسلام تا به امروز دیده می‌شوند.  اهورامزدا یا فروهر، موجودی خیالی عدد سه در طرفین بال‌ها (اشاره به شعار زرتشت دارد).  مثلث‌هایی که در کاربردی‌های معماری اسلامی هستند، نمادی از خداوند (مثلث) و عالم حقیقت و ملکوتی (دایره) هستند. به عبارتی می‌توانند حضور خداوند را در طول و عرض نشان دهند.	عدد سه نمادی از خداوند نماد فروهر نمادی خیالی از فرآیندی و اهورامزدا: این واژه در فرهنگ‌های فارسی علاوه بر اینکه به معنی خدا ضبط شده است، به معنی زاوش و برجیس به معنی ستاره مشتری هم دیده می‌شود. وجه تسمیه ستاره مشتری به هرمزد درست معلوم نیست، چه بین اهورمزدای ایرانیان که خدای ماوراء طبعی است، و زویس یونانیان، و ژوپیتر رومیان که خداوندان طبیعت است، رابطه‌ای موجود نیست. معنی اصلی کلمه سرور، داناست و نام خدای بزرگ ایرانیان باستان و زردشتیان می‌باشد که خالق زمین و آسمان و آفریدگان است. امشاسپندان و ایزدان نیز آفریده اویند. ترکیب مثلث‌هایی که نماد خداوندی هستند، به سمت دایره که نماد عالم حقیقت است، در عالم مثال دیده می‌شود:	 
در نقش بته‌جقه مسجد دومناره سقز حرکت از پایین‌ترین قسمت که مربع است، شروع می‌شود. پله‌های ۴ گانه نیز برای تأکید بیشتر به صورت زیگوراتی، از عالم مادی به سمت بالا (صعود)، طی می‌کنند. پله‌ها، در بالاترین قسمت به سه پر و تاج می‌رسند که نمادی از خداوند (یا به عبارتی اهورامزدا) است. بدنه میانی می‌تواند نمادی از عالم مثال باشد. ترکیب‌های اعدادی نقوش اشاره به خیال متصل و منفصل می‌کنند.	بته‌جقه این واژه معانی گوناگونی را در بر دارد؛ مانند تاج، و افسر. هر چیز تاج‌مانند که به کلاه نصب کنند. بته همان بوته است. بته‌جقه، یکی از نگاره‌ها و آرایه‌هایی است که به شکل‌های کاج، سرو، نخل، تاج، پرمغی، و ... در طول هزاران سال تا کنون به روش‌های گوناگون، زینت‌بخش آثار هنری ایرانی بوده است. نقوش اسلیمی انعکاس یا مثالی از گیاهان، یا باغ‌های بهشت در عالم حقیقت هستند که در عالم مثال به این شکل، نقش یافته‌اند. نقوش اسلیمی اشاره به گیاهان و موجودات باغ بهشت دارند که در عالم حقیقت وجود دارند.	 

ادامه جدول ۱. تحلیل عناصر و تزیینات خیالین در مسجد دومناره سقز

تصاویر مسجد دومناره سقز	خیال در مکان	اشاره به / نمادی از
	محراب محراب (جایگاه امام جماعت) بر فراز آسمان و به شکل کنسولی و معلق قرار گرفته است. این نقش می‌تواند به پرواز ملکوتی امام جماعت و پیش‌نماز به عالم ملکوتی اشاره کند.	این معلق بودن در آسمان می‌تواند نمادی از تقدس و پرواز در آسمان ملکوتی و مطهر مسجد دومناره سقز

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

هنرمندان در خلق آثار تزیینی بسیار مؤثر بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت اولاً رنگ‌ها بخش اصلی تزیینات را برعهده دارند. دوم اینکه، رنگ‌ها می‌توانند در انعکاس عالم خیال در عالم محسوسات، بسیار مهم و مؤثر باشند (شکل ۱۲). نقوش گیاهی یکی از مهم‌ترین نقوشی هستند که دربرگیرنده مفاهیم عالم مثال هستند. مفاهیمی همچون جلوه‌هایی از باغ‌های گیاهان، بهشت، و ... که در قالب تکنیک‌های هندسی همچون اسلیمی و ختایی هستند، بخش عمده‌ای از تزیینات را در بناهای اسلامی به خود اختصاص داده‌اند. در نظرسنجی‌های روش تحقیق دلفی با تأکید در خصوص اینکه: «نقوش گیاهی دربرگیرنده مفاهیم عالم مثال هست» مورد قبول خبرگان و هنرمندان منتخب نیز بود. در بررسی نمونه‌های مطالعاتی، نقوش گیاهی درصد بالایی داشت (شکل ۱۳).

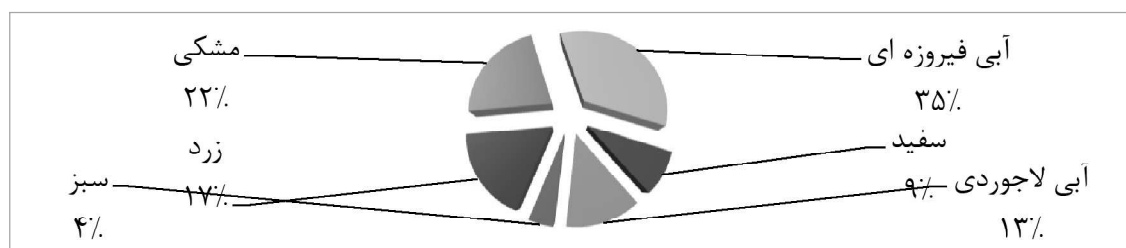
افشاریه است، هنوز در آرامگاه شیخ در روستای مولان آباد سقز، نگهداری می‌شود.

پیرامون اثبات تجلی عالم خیال در عالم محسوسات به شیوه تعداد و شمارش عددی عناصر، نقوش، خطوط و ...، شیوه‌ای از نمایش نمادین مفاهیم خیالی وجود دارد. این شیوه، به استناد نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، جمع‌بندی نمودارها و جدول‌های ذیل که به تکمیل و اثبات موضوعات مطرح‌شده می‌پردازند، به اثبات فرضیه اشاره می‌کند (شکل ۱۱).

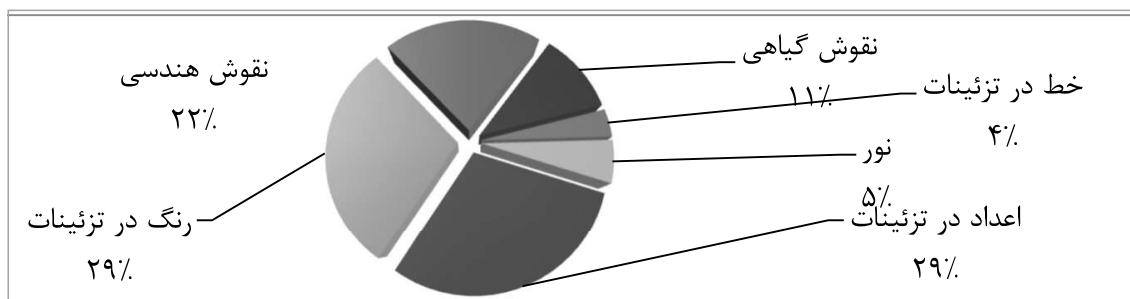
رنگ‌ها بخش اعظم تزیینات به حساب می‌آیند. در دوره‌های مختلف اسلامی براساس دیدگاه حکام آن دوران، رنگ‌های خاصی وارد تزیینات معماری آن دوره در مصالحی همچون کاشی شده است. براساس موضوع این پژوهش و تحقیقات انجام‌گرفته، دیدگاه اندیشمندان اسلامی در نوع برخورد



شکل ۱۱. نمودارهایی از اعداد در تجلی عالم خیال در تحلیل مسجد دومناره سقز (نگارندگان، ۱۴۰۳)



شکل ۱۲. نمودار تحلیلی رنگ‌ها در مسجد دومناره سقز (نگارندگان، ۱۴۰۳)



شکل ۱۳. نمودار میزان به کارگیری تنوع تزیینات برای تجلی خیال در مسجد دومناره سقز (نگارندگان، ۱۴۰۳)

نتیجه گیری

در دیدگاه عرفای اسلامی همچون ابن عربی، ملاصدرا، و مولانا خیال در عالمی به نام عالم خیال یا مثال، در مراتب عالم هستی دانسته شده است. در برخی دیدگاه‌ها، میان عالم حقیقت یا معقولات دانسته شده که می‌تواند دارای صور و مفاهیمی از عالم مادی (خیال متصل) یا از عالم حقیقت (خیال منفصل) باشد. با تحلیل و ارزیابی‌های بیشتر توانستیم رازها و اسراری را در دیدگاه این نظریه پردازان مبنی بر کیفیت‌هایی برای تجلی عالم خیال در موضوعات مادی کشف کنیم. در این رویکرد، عرفای اسلامی معتقدند که عالم خیال در دنیای مادی با کیفیت‌هایی نمادین یا رمزی تجلی یافته‌اند. با بررسی‌های بیشتر در کیفیت‌های مکان معماری، توانستیم آثاری را از این داستان تقدس‌واره در معماری در قالب: عناصر، تزیینات و مواردی مشابه کشف کنیم. عناصر و تزییناتی که در هویت بخشی به مکان‌های معماری هم دخیل بودند، یکی از آثار ارزشمند بناهای معماری محسوب می‌شوند که قابلیت تجلی عالم خیال را در عالم محسوسات دارند. در این تحقیق با شناسایی و ارزیابی عناصر، نقوش (هندسی، گیاهی، جانوری، خطوط)، و ... سعی کردیم در تحلیل، و امتیاز دهی به این آثار گام برداریم. سپس ضمن ارزیابی هر کدام از موضوعات در قالب میزان اهمیت دهی انعکاس و تجلی کیفیت‌های عالم خیال در دنیای مادی به کمک مکان‌های معماری همچون مساجد، می‌توانیم بسیاری از کیفیات تجلی عالم خیال را مشاهده کنیم.

باتوجه به نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌های تحقیق دلفی، می‌توان گفت تزیینات می‌توانند در حوزه انعکاس عالم مثال در عالم محسوسات، نقش حساسی را برعهده بگیرد. بدون شک هیچ چیز به اندازه تزیینات در معماری، نمی‌تواند رسالت تفکر و ذوق هنری را به نمایش گذارد. زیرا اگر فرم بنا برای معماران، باستان‌شناسان، و طراحان جالب باشد، ممکن است برای عامه مردم قابل درک نباشد. همین تزیینات است که در نگاه اول، بیننده را به خود جلب می‌کند. زیبایی شناسی یک علم دقیق است، نه بیان نفسانی یک تقدیر مختوم زیست‌شناختی. بحث پیرامون مسائل زیبایی‌شناختی تزیینات، صرفاً یک بحث فلسفی، تئوری و مبتنی بر فرضیه‌هایی است که با دیدن آثار به جای مانده، حاصل می‌شود. در این زمینه نمی‌توان به طور یقین به مسائل زیبایی‌شناختی تزیینات اسلامی پرداخت. اما آنچه اکثر محققان در آن اتفاق نظر دارند، این است که تزیینات اسلامی چیزی فراتر از پوشش و تزیین صرف می‌باشد. پشت همه این نقوش و نگاره‌ها و لابه‌لای حرکات دوار اسلیمی و ختایی‌ها و در پیچ‌وخم نقوش هندسی، مفاهیمی عمیق مبتنی بر مبانی دینی نهفته است. مهم‌ترین اصل در زیبایی شناسی اسلامی این است که همه چیز در عالم، مظهری از زیبایی خداوند متعال است و جهان، جلوه‌ای از ذات اوست.

فهرست منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰). *حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.



- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۱). ادراک خیالی و هنر. مجله خیال، ش (۲): ۸۱.
- افشار نادری. کامران (۱۳۷۸). از کاربری تا مکان. مجله معمار، ش (۶): ۳۲.
- اکبریان. رضا (۱۳۸۸). جایگاه انسان در حکمت متعالیه ملاصدرا. چاپ اول، تهران: نشر علم.
- الهی منش، رضا و رودگر، محمد (۱۳۹۳). مثال و خیال؛ جایگاه عوالم واسط در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی عرفانی و هنر. حکمت معاصر، ۵ (۱): ۱-۲۸.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۶). هندسه خیال و زیبایی. چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی.
- پرتوی، پروین (۱۳۹۴). پدیدارشناسی مکان. چاپ سوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- پیشوایی. حمیدرضا و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۲). خاک و خرد، تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی. مجله مطالعات معماری ایران، دوره دوم، ش (۳): ۲۳.
- تقی‌زاده. محمد و امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۹). تحلیل و طراحی فضاهای شهری. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر.
- حکمت. نصرالله (۱۳۹۳). حکمت و هنر در عرفان ابن عربی (عشق، زیبایی و حیرت). چاپ چهارم، تهران: فرهنگستان هنر.
- داداشی. ایرج (۱۳۸۲). خیال به روایت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۲). فصلنامه خیال، ش (۵)، تهران: فرهنگستان هنر.
- دیویی. جان (۱۳۹۱). هنر به منزله تجربه. ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- رلف. ادوارد (۱۳۹۵). مکان و بی‌مکانی. ترجمه محمد رضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، و زهیر متکی، تهران: آرمانشهر.
- صدرالدین شیرازی. محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). الحاشیه علی الهیات الشفاء. قم: بیدار.
- قیومی بیدهندی، مهرداد و پیشوایی، حمیدرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر نسبت میان مکان و انسان در مثنوی معنوی. نشریه تخصصی مولانا پژوهی، سال اول، ش (۴): ۸۷-۱۰۵.
- عظیمی. مریم (۱۳۹۸). "روش طراحی معنا، خیال، معماری (با بهره‌گیری از تفکر ناخود آگاه)". رساله دکتری معماری، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- کرین. هانری (۱۳۸۴). تخیل خلاق در عرفان ابن عربی. ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: نشر جام.
- محمود الغراب. محمود (۱۹۹۳ م). الخیال عالم البرزخ و المثال. چاپ دوم، دمشق: انتشارات نصر.
- محمود الغراب. محمود (۱۳۹۵). نقش خیال (اندیشه‌های ابن عربی در باب خیال). تهران: جامی.
- مدنی‌پور. علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۹۴). مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. چاپ سوم، تهران: پیام عدالت.
- نقره‌کار. عبدالحمید (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: پیام سینا.
- نقره‌کار. عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ و عظیمی، مریم (۱۳۹۰). جایگاه خیال در آفرینش اثر هنری (از منظر اسلامی). نشریه علمی- پژوهشی/انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ش (۳): ۹۱-۱۰۲.
- نصر. سیدحسین (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیم قاسمیان، چاپ سوم، تهران: حکمت.
- نصر. سیدحسین (۱۳۹۶). معرفت و امر قدسی. ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، چاپ اول، تهران: نشر فرزاد.
- نیک‌روش، ریحانه و صابر نژاد، ژاله (۱۳۹۸). بازشناخت جایگاه خیال در معماری. نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی (زبان و ادبیات فارسی)، دوره پانزدهم، ش (۵۶): ۳۲۰-۲۸۲.
- یوسفی. ناصر و قاموسی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی نقش خیال در مدیریت رفتار. اولین همایش ملی مدیریت راهبردی و کاربردی، سقز: دانشگاه علمی- کاربردی مرکز سقز.
- Louise Gill, Mary and Pellegrin, Pierre. (2006). *A Companion to Ancient Philosophy*. New York: Blackwell.
- Smith, P. F. (2003). *The Dynamic of Delight ; Architecture and Aesthetics*. London : Routledge.



Received: 2023/09/19

Accepted: 2024/01/22

Investigating and understanding the manifesting characteristics of the imaginary world in architectural space From the perspective of Islamic mystics*

Naseh Yousefi** Asadollah Shafizadeh** Mohammad Reza Pakdelfard****

Abstract

Place is considered one of the important and significant areas in the definitions of architecture. Giving identity to a place can give meaning to the presence of man in architecture. Islamic mystics consider one of the ways of understanding the world of heaven to be the world of imagination and connecting with it through the power of imagination. Considering that imagination and fantasy are important in architectural creativity, this research, which was conducted using a qualitative/quantitative method, has attempted to identify the characteristics of the manifestation of the world of imagination in architectural places. Then, it examines the views of Islamic mystics such as Ibn Arabi, Rumi, and Mulla Sadra (considering the commonalities of their views on the importance of imagination) in the manifestation of their views on understanding architectural places. In the results of this research, we see that although these mystics have not explicitly commented on architecture, architectural places have been identified based on their approaches. Following that, architects have been able to manifest these ideas in architecture and other arts with special elements and decorations in their works. The objectives of this research include: a. Identifying the characteristics of the manifestation of the imaginary world in the tangible world in the form of architectural places, and b. Discovering the symbolic meanings of architectural elements and decorations from mystical perspectives. The questions can also be: a. What are the characteristics of the manifestation of the imaginary world in the tangible world of architecture? and b. How is the thought of Islamic mystics regarding imagination manifested in the understanding of places? In the analysis and results of this article, we see that the manifestation of these views in the form of symbolic meanings is seen in the elements, geometry of motifs, numbers, colors, etc. in architectural places. This can be very valuable in discovering the relationship of imagination in the understanding of architectural places. To prove the identified characteristics, we measure those quantities in the study sample selected for the Saqqez Two-Minaret Mosque.

Keywords: Imagination, place, Islamic architecture, imaginary world (example), Islamic mysticism.

**PhD Student, Department of Architecture, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

*** Associate Professor, Department of Architecture, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran (Corresponding Author).
a.shafizade@iaau.ac.ir

**** Assistant Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.